

۲

(چاپ دوم)

عکاسی، بالون سواری، عشق و اندوه

جولین بارنز
عماد مرتضوی



فهرست

۷	یادداشت مجموعه
۱۳	چند تذکار
۱۷	فصل اول: گناه ارتفاع
۴۱	فصل دوم: بر روی سطح
۷۳	فصل سوم: از دست رفتن عمق
۱۲۱	یادداشت‌ها
۱۳۵	مؤخره‌ی مترجم

چند تذکار

یک. آقای بارنز شیوه‌ی کار ظریفی در داستان نویسی دارد. روایت کردنش رقصی ست نامرئی در میان «تاریخ» و «حافظه» و «خاطره» و «داستان»؛ و فرصتی می‌دهد به مخاطب که همواره به رابطه‌ی پیچیده‌ی بین این عناصر بیندیشد. اول مرز می‌گذارد بین جهان داستان و واقعیت تاریخی، یعنی متمایز می‌کند اتفاق را آن‌طور که در واقع رخ داده و آن‌طور که به یاد می‌آید؛ بعد این تمایزات را به بازی می‌گیرد. بارنز بلد است نشان دهد گذشته نه تنها نمرده بلکه یادآوردن و روایت چطور همیشه گذشته و حال را از نو می‌سازد.

دو. عنوان اصلی کتاب را نعل به نعل ترجمه نکردم - کاری که معمولاً نمی‌پسندم کسی انجام دهد. نامش هست: Levels of Life یا همان «سطوح زندگی». به یک معنا می‌شود گفت «زندگی: بالا، پایین و آن میانه»، «سه جای زندگی»، «سه سطح زندگی». «سطوح زندگی» به نظرم گنگ بود در فارسی و تازه نواختِ عنوان اصلی را هم نداشت. به «طبقات حیات» یا «مراتب عمر» هم فکر کردم که نه در خوردن شیوه‌ی کار بارنز بود. تغییر نام کتاب در بعضی ترجمه‌هاش جرأت‌م داد تا به عنوانی دورتر فکر کنم: «عکاسی، بالون سواری، عشق و اندوه».

سه. کتاب حاضر سه فصل دارد: «گناه ارتفاع»، «بر روی سطح» و «از دست رفتن عمق». فصل اول گزارش گونه است و در کار ساختن روایتی واقعی نما که ابتدا فقط «نقل تاریخ» به نظر می‌رسد. با ورود به روایت داستانی فصل دوم است که خواننده مزد صبوری اش با آن نقل به ظاهر «عینی» اولیه را می‌گیرد و آرام آرام خط و ربط‌های پنهان متن پیش چشمش گشوده می‌شود. در فصل سوم انگار «من»ی چهره می‌نماید که راوی دو فصل اول بوده و آن الگوها را در دل «تاریخ» جسته، هم‌برگذاشته، و خط‌شان را گرفته و آمده تا این جا که قرار است به بازخوانی تجربه‌ی خودش بپردازد.

چهار. بارنز عشق فرانسه است یا به قول قدما: فرانکوفیل. پدر و مادرش هر دو معلم زبان فرانسه بوده‌اند. کتابی دارد به اسم این سو به آن سوی کانال که اصلاً داستان‌هایی‌ست درباره‌ی ارتباط فرانسه و بریتانیا. فصلی از رمان طوطی فلوبرهم به این نام است. و منظور از کانال هم کانال مانش است: رابط جزیره‌ی بریتانیا به فرانسه. بارنز چه در جستارهایش، چه داستان کوتاه‌ها و چه رمان‌ها، از/در کانال مانش می‌نویسد، مدام بین این دو قطب حرکت می‌کند: بین بریتانیا - زادگاه خودش - و فرانسه - سرزمین آرمانی اش. او ساکن کانال مانش است: از زندگی روزمره‌ی نیزِ محافظه‌کار به مکان هندسی فرهنگ و غنا و عشق. بین آنچه هست و آنچه باید باشد، معلق (یادآور پروژه‌ی اصلیش که در تذکار اول گفتیم). این کتاب هم بازی فرانسه-بریتانیا کم ندارد.

پنج. حین ترجمه، یادداشت‌هایی اضافه کردم از این قبیل که خط و ربط فلان چیز در این فصل با بهمان در آن یکی فصل چیست، و همین‌طور اشاراتی به دلیل غرابتِ لابدی خواننده با بافتِ فرهنگی متن. این یادداشت‌ها به انتهای کتاب برده شدند تا جریان خواندن متن مختل نشود. هم، خواسته‌ام صورتِ اظهار فضل بیخود نداشته باشد - غرض تسهیل و بهبود تجربه‌ی خواندن بوده و لاغیر، دیدم در ترجمه گاهی بافتار متن بر نمی‌گردد و در انتزاع بعضی جملات بی‌رنگ و عطر می‌شوند و معمولی. اما اظهار لحنیه‌ام در مقام مترجم را برده‌ام در انتهای کتاب، تحت عنوان «مؤخره‌ی مترجم».

چند صفحه‌ای نوشتم که به زبان موسیقی، واریاسیون‌هایی است بر تم‌هایی که آقای بارنز پیش‌تر نواخته‌اند، گیریم حالا با طعمی وطنی. عکسی که نادار از ناصرالدین شاه گرفته بود، عشق شاه شهید به عکاسی، بالون سواری، و در کل، به «تماشا»، و ربطش به مدرنیته، منظری شدند برای من که این کتاب جور دیگری هم در ذهنم زنده بماند و خواستم تجربه‌ی این حیات ثانوی کتاب را، به خلاصه، با شما در میان گذاشته باشم. سرآخراین که کتاب در اصل هیچ پانویس و یادداشتی ندارد. عکس هم ندارد. یادداشت‌ها همه از بنده است، عکس‌ها و طرح‌ها هم همان‌هاست که در متن بارنز حرف‌شان رفته و من باب معیت گذاشتیم.

— عماد مرتضوی